

راهکارهای کاهش فقر از منظر قرآن کریم (کسب و کار)

نصراالله اسدی^۱

چکیده

بی‌تردید، فقر یک پدیده مهم در زندگی انسانها به‌شمار می‌رود که ارتباط مستقیم با حیات بشر دارد. از منظر لغوی فقر به معنای «نیازمندی و تنگدستی» است؛ اما از لحاظ عرفی این واژه یک مفهوم ثابت و معینی ندارد، بلکه واژه «فقر» از جمله واژه‌های است که معنای متغیر و سیال دارد که متناسب با شرایط زمانی، مکانی و نیز شأن و جایگاه افراد، تغییر می‌کند. آنچه امروزه از کلمه «فقر» به ذهن انعکاس می‌یابد، دارو و درمان، هزینه تحصیل فرزندان، داشتن وسایل سرمایشی و گرمایشی در مناطقی که مورد نیاز است و... همه و همه را شامل می‌شود و اگر کسی فاقد آن موارد باشد فقیر محسوب می‌شود.

در قرآن کریم راههای متعددی برای کاهش فقر ارائه شده است. یکی از راهکارهای قرآن کریم برای فقر زدایی مسأله‌ی «کار و تلاش» است که از آیات متعدد قرآن قابل استخراج است. بر اساس آیات قرآن کریم، خداوند مومنان را به کار و تلاش توصیه و تشویق نموده است و مقدمات آن را نیز فراهم ساخته است. تسلط انسانها بر دریاها (که منبع نعمت‌های الهی است)، کشتی‌ها، زمین، کوه‌ها و... از سوی خداوند و نیز پراکندن نعمات، وسایل معاش، مواد غذایی (اقوات) در اطراف و اکناف زمین و کوه‌ها، بوسیله خداوند، همگی گویای آن است که خداوند متعال شرایط را مهیا و موانع را برطرف ساخته است و این انسان است که باید همت نموده و دست به کار شود و از هیچ تلاشی دریغ ننماید.

کلیدواژه‌گان: فقر زدایی، نیاز، توسعه نیروی انسانی، کسب و کار.

^۱. دانش پژوه دکتری قرآن و علوم (گرایش اقتصاد) nasrullahasadi@gmail.com

در اسلام فقر نکوهش شده و طلب روزی حلال برای رفع نیاز و افزایش رفاه حال خود و خانواده و کمک به دیگران، همچون جهاد در راه خدا ستایش شده است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «وما سبیل الله إلا من قتل؟ من سعی علی والدیه ففی سبیل الله ومن سعی علی عیاله ففی سبیل الله ومن سعی علی نفسه لیعفها ففی سبیل الله ومن سعی علی التکاترفهو فی سبیل الشیطان» (البیهقی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۲۵). اینگونه نیست که سبیل الله منحصر در جهاد و شهادت باشد، هرکس که برای پدر و مادرش تلاش کند در راه خداست و هرکس که برای خانواده اش تلاش کند در راه خداست، هرکس برای حفظ آبروی خویش کوشش کند در راه خداست و هرکس که به منظور فخرفروشی گام بردارد، تلاش او در راه شیطان است. فعالیت اقتصادی برای انفاق در راه خدا و خدمت به جامعه و افزایش رفاه هم‌نوعان نیز در اسلام جایگاهی چون نماز دارد و به‌همین دلیل قرآن همواره زکات را در کنار نماز ذکر کرده است.

یکی از موضوعات مهم برای بشر مسأله‌ی فقر و نیازمندی است؛ زیرا همه‌ی جوانب زندگی، حتی اعتقاد و ایمان انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر اساس برخی روایات، فقر نبود کننده‌ایمان است و نمی‌شود با فقر ادعای ایمان کامل را داشت. قرآن کریم نیز به‌این پدیده حیاتی پرداخته و در آیات متعدد (بصورت مستقیم یا غیر مستقیم) درباره آن سخن گفته است. با توجه به اهمیت این مسأله، از جمله مواردی که قرآن کریم روی آن تأکید دارد، مسأله‌ی مبارزه با این پدیده و ارائه راهکار برای رفع آن است. از این رو در آیات قرآن راهکارهای مختلفی برای فقر زدایی ذکر گردیده است از جمله: کار و تلاش، پرداخت واجبات مالی (خمس، زکات و...)، ایمان و تقوا، ازدواج و...

با توجه به گستردگی مباحث و راهکارهای قرآنی کاهش فقر، و مجال اندک و محدود این نوشتار، بررسی همه عوامل و راهکارهای قرآنی از حوصله این تحقیق خارج است؛ لذا در این نوشتار تنها به راهکار «کار و تلاش» برای کاهش فقر پرداخته میشود و دیگر راهکارها به‌فرصت دیگر مוקول می‌گردد.

سابقه تحقیق

فقر یک پدیده عام و فراگیر است و انسان‌ها از دیرباز با مسأله فقر مواجه بوده اند؛ از این رو می‌توان گفت سابقه فقر به اندازه قدمت پیدایش بشر بر روی زمین است. طبیعتاً مباحث مربوط به آن نیز از قدمت و حجم قابل توجهی برخوردار است. در این میان این نکته را نباید از نظر دور داشت که نوع نگاه عالمان و صاحب نظران به این مسأله، تا حد زیادی تحت تأثیر تخصص و گرایش آنان بوده است. به عنوان مثال عرفا و فلاسفه با توجه به پرداختن بخش عمده مباحث فلسفه، به مسأله وجود (واجب الوجود و ممکن الوجود) به مسأله‌ی فقر معنوی و ذاتی پرداخته اند. در حالی که فقها و مفسران به بُعد مادی و اقتصادی فقر توجه نموده اند. اقتصاد دانان نیز بحث از فقر را از منظر اقتصادی و تأمین معیشت، پیگیری نموده اند. از این رهگذر آثار فراوانی بوجود آمده است که هر کدام در جای خود قابل تقدیر و استفاده است. اما آنچه در این تحقیق مورد نظر است نگاه قرآنی (تاحدودی اقتصادی) به پدیده‌ی «فقر» و تعیین مفهوم و محدوده‌ی آن و نیز آرایه‌ی راهکار قرآنی برای رفع (یا کاهش) فقر است.

مفهوم شناسی

فقر در لغت

در لغت مشهورترین معانی برای این واژه معانی چون: تنگدسی و تهیدستی را ذکر کرده اند.

راغب اصفهانی نیز در کتاب مفردات چهار معنا برای واژه‌ی «فقر» ذکر می‌کند:
الف- نیاز ضروری که عام بوده و شامل همه موجودات اعم از انسان و غیر انسان و نیز شامل دنیا و آخرت می‌گردد؛ «یا أيها الناس انتم الفقراء الی الله...» (فاطر: ۱۵) به همین معنا اشاره دارد.

ب- ناداری یا بی‌چیزی؛ «للفقراء الذین أحصروا... من التعفف...» (بقره: ۲۷۳) و آیه «ان یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله...» (نور: ۳۲) به این معنا اشاره دارد.

ج- فقر نفس (سیری ناپذیری) که به فرموده امام علی^(ع) بدترین نوع فقر است «کاد الفقر ان یكون کفرا» (مجلسی، ج ۷۲، ص ۴۷).

د- فقر الی الله، که در این آیه مراد است: «ربّ إني لما انزلت الیّ من خیر فقیر» (قصص: ۲۴).

صاحب مفردات در پایان اصل معنای «فقر» را مکسور و درهم شکسته می‌داند و به برخی لغویون نیز نسبت داده است که فقر را به معنای شکاف و خلاء گرفته اند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۴، ص ۶۴۱ و ۶۴۲). گویا فقیر همچون فرد (کمر) شکسته توان و قوام ندارد و زمین گیر است.

لسان العرب نیز «فقر» را ضدّ غنی دانسته و بعد از مباحث مفصل و نقل اقوال متعدد در مورد تفاوت «فقیر» و «مسکین»، به این عرفه نسبت داده است که عرب به فرد نیازمند «فقیر» اطلاق می‌کنند. آیه قرآن «انتم الفقراء الی الله»، یعنی شما نیازمند به خداوند هستید (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۵، صص ۶۰ و ۶۱).

معانی دیگری نیز برای این واژه نقل شده است مانند اینکه به فرد کمر شکسته فقیر گفته شده است (بدلیل زمین گیر شدن فرد). اما آنچه در این تحقیق مراد است، همان فقر مادی و معنای تنگ دستی و ناداری است.

فقر در اصطلاح

معنای واژه‌ی «فقر» در اصطلاح، متعدد و متفاوت است و اندیشمندان هر علم با توجه به دانش مورد نظرشان و همچنین تخصص شان، تعاریف مختلفی از آن ارائه کرده اند، فقهاء، مفسران، فیلسوفان و عارفان هر کدام تعریفی از آن دارند که در ذیل به اختصار آورده می‌شود:

مفسران

مفسرین فقیر را کسی می‌دانند که تهیدست باشد و کمبود مالی داشته باشد، هر چند مشغول کسب و کاری باشد، و اینکه دست نیاز به پیش کسی دراز نکند.

تفاوت آن با مسکین آنست که مسکین نیازش شدیدتر بوده و گاهی مجبور می‌شود از آبروی خود مایه گذاشته و دست به گدایی بزند (طباطبایی، ج ۹، ص ۳۱۰).

فقیر کسی است که درآمدش برابر حوائجش نباشد، مثلاً در هر روز بطور متوسط ده تومان به دست آورد، در حالی که به بیست تومان محتاج باشد، از همین جا است که سرمایه

زندگی چنین فردی رو به نقصان می‌گذارد، و زمانی طولانی نمی‌گذرد که تمامی آنچه تا کنون کسب کرده‌ها را از دست می‌دهد، و قدرت پرداخت آنچه را قرض گرفته نیز ندارد.

فقهاء

با توجه به اینکه یکی از مستحقین زکات، فقراء هستند، بحث فقر مورد توجه و بررسی فقهاء نیز قرار گرفته است و مباحث دامنه داری در مورد آن انجام داده‌اند؛ ولی بطور خلاصه فقهاء گفته‌اند: شرط فقر آنست که فرد مخارج سال خود و خانواده اش را ندارد. در واقع افرادی که سطح زندگیشان از حد کفاف و متوسط جامعه پایینتر است، فقیر بوده و مستحق گرفتن زکات‌اند (نجفی، ج ۱۵، ۳۰۷؛ امام خمینی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۳۴).

فیلسوفان و عارفان

از اینان همه‌ی موجودات، نیازمند و محتاج خداوندند و جز الله، همه فقیرند. آیه «یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله...» (فاطر: ۱۵) اشاره به این معناست. عرفا و فلاسفه در واقع نوع معنوی فقر را گرفته‌اند و از نظر آنان کاملترین انسانها فقیرترین افراد هستند.

اقتصاددانان

همانگونه که بحث خواهد شد، فقر یک مفهوم نسبی است و به همین دلیل ارایه تعریف واحد از آن، کار دشواری است؛ اما صرف نظر از تعدد تعاریف فقر و نیز اقسام آن (مطلق، نسبی، طبیعی و...)، آنچه اقتصاد دانان از این واژه قصد می‌کنند همان معنای مادی آن است، یعنی محرومیت و فقدان امکانات زندگی (بانک جهانی توسعه ۲۰۰۱-۲۰۰۰)، یا عدم برخورداری از قوت لایموت و درآمدی که برای امرار معاش کافی باشد (دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، ۱۳۸۰، ص ۲۴).

هرچند فقر را از زوایای مختلف (فقهی، فلسفی و...) می‌توان مورد بحث قرار داد؛ اما در این تحقیق از منظر اقتصادی به «فقر» (فقر مادی) می‌پردازیم.

فقر در روایات

برای اینکه فهم درست و عمیق‌تری از کلمه‌ی «فقر» داشته باشیم، باید به روایات پیشوایان دینی مراجعه کنیم و از کاربردها و مصادیقی که در کلام معصومین^(ع) برای واژه‌ی فقر بیان شده است، برای فهم آن کمک بگیریم. در روایتی می‌خوانیم: «الفقییر من طمع و

الغنی من قنح» (مجلسی، ج ۷۸، ص ۵۴). در روایتی دیگر آمده است: «الغناء، قلّه تمینک و الرضاء بما یکفیک؛ والفقر شرّه النفس و القنوط» (مجلسی، ج ۷۵، ص ۱۰۹). بر اساس این گونه روایات، صاحبان طمع و آرزوهای (زیاد) فقیرند و لو اینکه اموال فراوانی داشته باشند. بنابراین در این صورت فقر، یک خصوصیت و ویژگی نفسانی خواهد بود تا یک پدیده‌ی عینی و خارجی که به واقعیت مادی (اقتصادی) برگردد. در روایتی دیگر پیامبر^(ص) در جواب کسی که پرسید: ما الفقیر؟ فرمود: «من خزائن الله. قیل ثانیاً، ما الفقیر؟ فرمود: کرامه من الله، قیل ثالثاً، ما الفقیر؟ فرمود: شیء لا یعطیه الله الا نبیا مرسل او مؤمن کریم علی الله تعالی» (مجلسی، ج ۷۲، ص ۴۷). بدین ترتیب حضرت فقر را یک پدیده‌ی مثبت و مطلوب و جزء گنجینه‌ها و کرامات الهی بر انبیاء و مؤمنان دانسته است. از این رو می‌توان گفت «فقر» دارای اقسامی است که برخی مذموم بوده و برخی دیگر نیز ممدوح دانسته شده است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

اقسام فقر

۱- فقر ممدوح: این نوع فقر خود می‌تواند دو صورت داشته باشد:

الف- فقر مادی: در بسیاری از روایات پیامبر^(ص) و ائمه^(ع) فقر مورد ستایش قرار گرفته است، تا جایی که در برخی روایات، مایه‌ی فخر و مباهات رسول اکرم^(ص) شمرده شده است. در ذیل پاره‌ی از روایات را می‌خوانیم: پیامبر اکرم^(ص): «الفقر فخری و به افتخر» (مجلسی، ج ۷۲، ص ۵۵). در جای دیگر حضرت می‌فرماید: «طوبی للمساکین بالصبر، هم الذین یرون ملکوت السماوات» (مجلسی، ج ۷۲، ص ۵۶) و نیز می‌فرماید: «الفقر خیر من الغنی، الا من حمل فی مغرم و اعطی فی نائبه» (مجلسی، ج ۷۲، ص ۵۶).

از لحن برخی آیات نیز مدح و ستایش این نوع فقر فهمیده می‌شود مانند آیات: و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة (حشر: ۹) للفقراء الذین اُحصروا فی سبیل الله لا یتطیعون ضرباً فی الارض یحسبهم الجاهل اغنیاء من التعفف تعرفهم بسیماهم (بقره: ۲۷۳).

با توجه به آیات و روایاتی که ذکر شد می‌توان گفت: گرچه فقر (بخودی خود) پدیده‌ی مطلوب و مثبتی نیست، اما در صورتی که انسان به هر دلیل موجّهی (سِنّی «طفولیت و پیری» یا جسمی «مریضی، نقص عضو و...» و یا فکری «سغیه، مجنون و...»

توانایی کار کردن را ندارد، یا بیکار است و یا با وجود کار و تلاش از عهده‌ی مخارجش نتواند برآید) دچار فقر گردد، تا زمانی که فقر او با عزت نفس، زهد، قناعت و... همراه باشد، مذموم نخواهد بود. از این رو در آیات فوق ملاحظه می‌شود که فقر چنین افرادی نه تنها برای شان عیب و نقص شمرده نشده است بلکه خداوند فقراء عقیف، پاکدامن و آبرودار را بنحوی مورد ستایش قرار داده است. بنابراین فقر مادی در صورتی که ناخواسته و همراه با عفت، پاکدامنی و آبرومندی باشد، عیب شمرده نمی‌شود.

۲- فقر معنوی (ذاتی و وجودی): از لحاظ وجودی انسان بصورت مطلق وابسته و نیازمند خداوند متعال است، بگونه‌ی که اگر خداوند یک لحظه توجه خود را از انسان بردارد، انسان از هستی ساقط خواهد شد. این نوع فقر (که شدیداً مورد توجه عرفا و فلاسفه نیز قرار گرفته است) در آیات و روایات نیز ذکر شده و مورد ستایش قرار گرفته است. یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله والله هو الغنی الحمید (فاطر: ۱۵).

انسان‌ها منحصر در فقرند، و خدا منحصر در غنی، پس انسان‌ها غیر از فقر ندارند، و خدا غیر از غنی ندارد. پس خدای سبحان غنی بالذات است، او می‌تواند همه انسان‌ها را از بین ببرد، چون از آنان بی‌نیاز است، و آنان بالذات فقیرند، و نمی‌توانند به چیزی غیر از خدا، از خدا بی‌نیاز شوند. و ملاک در غنای خدا از خلق، و فقر خلق به خدای تعالی، این است که: خدا خالق و مدبر امور ایشان است.

ب- فقر مذموم: نوع دیگری از فقر مادی و اقتصادی است که در متون دینی (مخصوصاً روایات) بشدت مورد مذمت و نکوهش قرار گرفته است و مایه‌ای خواری، بد اخلاقی، تخریب کننده‌ی منزلت اجتماعی و... دانسته شده است. و وجدک عائلاً فأغنی (ضحی: ۸).

همچنین روایات فراوانی در مذمت و نکوهش فقر از پیشوایان دینی وجود دارد. در برخی موارد چنان تعابیر شدید است که فقر را سوق دهنده به سوی کفر می‌داند. در ذیل برخی از روایات را مرور می‌کنیم:

پیامبر اکرم (ص): «لولا رحمه ربی علی فقراء امتی کاد الفقر ان یكون کفراً...» (مجلسی، ج ۷۲، ص ۴۷). امام علی (ع): «القبر خیر من الفقر» (تمیمی آمدی، ج ۱، ص ۳۶۵).

همچنین حضرت می‌فرماید: «إنَّ الفقر مُذْكَهٌ لِلنَّفْسِ، مُدْهَشَةٌ لِلعَقْلِ، جَالِبٌ لِلهُمُومِ، العُسْرُ يَشِينُ الاخْتِلاقَ و يوحِشُ الرِّفَاقَ» (همان، ج ۲، ص ۹) البته باید توجه داشت که، مذمت فقر مادی در اسلام، چیزی از کرامت فقیر در جامعه کم نمی‌کند؛ زیرا در اسلام فقر و غنی ملاک ارزش نیست و چنین نگاهی محکوم شده است «...انا اکثر منك مالا و اعزّ نفرا ... أكفرت بالذی خلقک من تراب... و احیط بثمره فأصبح یقلب کفیه...» (کهف: ۳۴-۴۴)، این آیات نه تنها داشتن مال و قبیله را مایه برتری و فخر نمی‌داند، بلکه زمینه ساز طغیان و کفر قلمداد می‌نماید. بنابراین این ایمان و تقوا است که به انسان ارزش می‌دهد نه ثروت و قوم و قبیله: «إنَّ أکرَمکم عندالله اتقاکم...» (حجرات: ۱۳).

نیازهای انسان

شناخت نیازها و طبقه بندی آن از جمله مباحث کلیدی است که طرح آن در این نوع تحقیقات اثر گذار و ضروری است. اینک بعد از تقسیم بندی فقر از منظر آموزه‌های دینی، مناسب است که تقسیم بندی نیازها را از منظر روان شناسان نیز به اجمال ذکر نماییم: در مورد نیازها تقسیم بندی‌های مختلفی وجود دارد که در این مختصر قابل طرح نیست. لذا از میان تقسیم بندی‌های متعدد به یکی از مهمترین آن، یعنی تقسیم بندی مازلو که بسیار مورد توجه قرار گرفته است اشاره می‌کنیم.

آبراهام مازلو روانشناسی که مطالعه اش در زمینه انگیزش بر روی سلسله مراتب نیازها بود، نیازهای انسان بر پنج نوع تقسیم کرده و آن را در قالب یک هرمی که دارای پنج طبقه است، ارائه کرده است. طبقات پایین‌تر هرم نیازهای حیاتی‌تر و ساده‌تر و طبقات بالاتر نیازهای پیچیده‌تر ولی کم اهمیت‌تر را نشان می‌دهند. نیازهای طبقه‌های بالاتر فقط وقتی مورد توجه فرد قرار می‌گیرند که نیازهای طبقه‌های پایین‌تر برطرف شده باشند.



از نظر مازلو طبقات پنج گانه‌ی نیاز انسان بدین ترتیب است:

اول: نیازهای زیستی

نیازهای زیستی در اوج سلسله مراتب قرار دارند. این نوع نیاز بیشترین تأثیر را بر رفتار فرد دارد. نیازهای زیستی نیازهای آدمی برای حیات خودند؛ یعنی: خوراک، پوشاک و مسکن. تا زمانی که نیازهای اساسی برای فعالیت‌های بدن به حد کافی ارضاء نشده‌اند، عمده فعالیت‌های شخص احتمالاً در این سطح بوده و بقیه نیازها انگیزش کمی ایجاد خواهد کرد.

دوم: نیازهای امنیتی

نیاز به رهایی از وحشت، تأمین جانی و عدم محرومیت.

سوم: نیازهای اجتماعی

احساس تعلق و محبت؛ زیرا انسان موجودی اجتماعی است.

چهارم: احترام

احترام نسبت به خود انسان و سپس قدر و منزلتی که توسط دیگران برای فرد حاصل می‌شود. اگر آدمیان نتوانند نیاز خود به احترام را از طریق رفتار سازنده برآورند، ممکن است فرد برای ارضای نیاز جلب توجه و مطرح شدن، به رفتار خرابکارانه یا نسنجیده متوسل شود.

پنجم: خودشکوفایی

شکوفای کردن تمامی استعدادهای پنهان آدمی؛ مازلو می‌گوید: «آنچه انسان می‌تواند

باشد، باید بشود»

به طبقه‌بندی مذکور دو نیاز « دانش‌اندوزی و شناخت و درک پدیده‌ها » و « نیاز

به زیبایی و نظم» نیز اضافه شده است؛ که قبل از نیاز به خود شکوفایی قرار می‌گیرند. اگرچه بر نظریه مازلو انتقادات مهمی هم وارد است؛ زیرا نیازهای اساسی انسان خطی و سلسله‌مراتبی نیستند و اجزای تغییر ناپذیر هستی انسان‌اند. علاوه بر آن، این تقسیم بندی به نیازهای معنوی و متعالی (با وجود اهمیت و نقش مؤثر و غیر قابل انکار آن در زندگی و رفتار آدمی) انسان توجهی ندارد. از این رو نمی‌توان همه رفتارهای انسانی را در چارچوب آن گنجانده. اما با این حال باید متذکر شد که آشنایی با نظریه مازلو برای شناخت نیازهای آدمی و طبقه بندی آن لازم بوده و در نگرش فرد نسبت به اینگونه موضوعات کمک می‌نماید.

بر اساس آموزه‌های اسلامی انسان‌ها سراسر فقیر و نیازمند خداوند هستند. «یا ایها الناس أنتم الفقراء الى الله و الله هو الغنی الحمید» (فاطر: ۱۵) نیاز انسان به خداوند عام بوده و همه‌ی جوانب (معنوی، مادی، وجودی و هر نوع نیازی که قابل تصور است) را شامل می‌شود. اما آنچه در این تحقیق بدان پرداخته می‌شود، همان نیاز مادی و زیستی انسان است که مهمترین و ضروری ترین نوع نیاز است.

انعطاف پذیری مفهوم فقر

اگر فقر به معنای نیاز و حاجت باشد، باید توجه داشت که نیازها در هر عصر و زمان و مکان متفاوت است. بنابراین واژه‌ی «فقر» یک مفهوم ثابت ندارد بلکه مفهومی است متغیر و سیال. به عبارت دیگر اگر فقیر به کسی اطلاق می‌شود که نیازهای اولیه و اساسی زندگی خود را نمی‌تواند تأمین کند، این معنا در هر زمان و مکان متفاوت است؛ مثلاً در خانه سازی؛ از کپر، سایبان، چادر و خیمه گرفته تا اطاق‌های گلی، آپارتمانی و ویلایی. و در مورد وسیله‌ی نقلیه، از الاغ، شتر، اسب و درشکه گرفته تا ماشین ژیان، پژو، الگانس، هواپیمای شخصی و... در تسلیحات نظامی، از تیر و کمان، شمشیر، نیزه و... گرفته تا توپ، تانک، هواپیماهای مدرن و سلاح‌های هسته‌ی و شیمیایی. خلاصه این‌که معنای فقر در قدیم (فرضا در صدر اسلام) یک مفهوم داشت و آن عبارت بود از اینکه فردی قادر باشد بر تأمین تغذیه (نان و خرما) سرپناه (فرضا خانه گلی یا سایبانی که از لیف خرما و... ساخته شده باشد) مرکب (اسب یا شتر و یا الاغ) و موارد از این قبیل که اگر کسی آن را

می توانست تهیه کند، دیگر فقیر شمرده نمی شد. اما این مفهوم با آنچه امروزه از این کلمه (فقر) فهمیده می شود، کاملاً متفاوت است. دارو و درمان، هزینه تحصیل فرزندان، داشتن وسایل سرمایشی و گرمایشی در مناطقی که مورد نیاز است و... تماماً در مفهوم فقر دخیل اند و اگر کسی فاقد آن موارد باشد فقیر محسوب می شود. بنابراین شرایط زندگی (جنگ، صلح و...) محیط زندگی، زمان، مکان و... در تعیین معنای فقر دخیل هستند.

نکته: باید توجه داشت که مفهوم «کار» نیز گسترده و انعطاف پذیر است و منحصر در بیل زدن و کلنگ زدن (به عنوان مثال) نیست. یعنی مفهوم «کار» هر نوع فعالیت و تلاشی را که در خارج مؤثر بوده و خدمتی را ارائه نماید، شامل می شود. حال این تلاش فکری باشد یا فیزیکی.

سؤال: با تبیین انعطاف پذیری «نیاز» پرسش اساسی که مطرح شود؛ (زیرا فهم درست این مسأله بدون روشن شدن آن ناقص است) این است که «آیا نیازها به مرور زمان تغییر کرده و هر روز نیاز جدیدی بوجود می آید، یا اینکه نیازها همیشه ثابت هستند و این اموری رفع کننده‌ی نیازهاست که تغییر می کنند؟ به عبارت دیگر آیا نیازها ثابت هستند ولی وسایل، امکانات و اموری که برای پاسخگویی به آن، ایجاد می شوند، متغیرند و لذا هر روز وسایل، امکانات، خدمات و ... جدید ایجاد می شوند یا بر عکس؟»

پاسخ: برای پاسخ به پرسش فوق باید گفت: به نظر می رسد وجود نیازها مقدم است بر جواب به آن، یعنی ابتدا باید نیازها ایجاد شوند تا افرادی به فکر برطرف کردن نیازها بیافتند! گرچه نوع، درجه و شدت نیازها ممکن است در زمان، مکان، شرایط، فرهنگها و افراد مختلف، متفاوت باشند (تابع شأن و عرف). به عنوان مثال اگر اولین سازنده‌ی یک وسیله‌ی سرمایشی (فرضا کولر) در نظر گرفته شود؛ بدون شک او بعد از زندگی در مناطق گرم و احساس نیاز (نیاز شناسی) و فکر و بررسی فراوان، به این اختراع اقدام کرده است. یا در عصر حاضر یک شرکت تولیدی را در نظر بگیرید؛ مسلماً بعد از نیاز شناسی و بازار یابی به تولید کالای که مورد نیاز است و مشتری دارد، اقدام خواهد کرد. گرچه در برخی موارد ممکن است نحوه‌ی تعریف و تبلیغ کالا در رسانه‌ها و... نیاز جدیدی را خلق کند؛ یعنی شیوه‌ی تبلیغ و تعریف از کالا و خدماتی، موجب تولّد نیازی جدید در افراد

گردد؛ اما به هر حال ابتدا باید نیاز بوجود بیاید، تا افراد برای رفع آن به فکر افتاده و اقدام عملی انجام دهند.

توسعه نیروی انسانی

مسأله‌ی دیگری که با موضوع تحقیق (کار و تلاش) مرتبط بوده و بر نتایج آن تأثیر گذار است، مسأله‌ی توسعه نیروی انسانی یا تخصص و مهارت است. از این رو به اختصار بدان پرداخته می‌شود. باید گفت مسأله‌ی تخصص و اهتمام به آن یک اصل مسلم و عالادنه است؛ از این رو در متون دینی نیز مورد توجه قرار گرفته و بارها بر آن تأکید شده است. از جمله آیات ذیل: «...فاسئلوا اهل الذکر ان کتتم لا تعلمون» (نحل: ۴۳)، «هل یتوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون» (زمر: ۹) و «یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات...» (مجادله: ۱۱) از این آیات به خوبی استفاده می‌شود که دلیل امتیاز و برتری داشتن صاحبان دانش، تخصص و آگاهی شان است نه چیز دیگر.

بدون تردید تربیت افراد متخصص و کارآمد و یا به تعبیر دیگر توسعه نیروی انسانی، مهمترین عامل در داشتن کسب و کار موفق و در نتیجه رفع فقر و محرومیت از جامعه است. در واقع آموزش و تربیت نیروهای متخصص و توانا، ضامن کارآمدی و بهره‌وری هرچه بیشتر و بهتر خواهد بود. یک مثال ساده فهم این مطلب را محسوس تر میکند: و آن اینکه بدون تردید تعلیم شیوه‌ی ماهیگیری و اینکه چگونه باید ماهی را صید نمود، از دادن ماهی آماده، بهتر و کارآمدتر است؛ زیرا ماهی آماده بالاخره بعد از مدتی (ولو طولانی) تمام خواهد شد و فردی که دل به آن خوش نموده و گمان می‌کرد بی نیاز است، سر انجام نیازمند مواد غذایی (ماهی جدید برای مصرف) خواهد شد، در حالی که تخصص کسب آن را ندارد؛ اما فردی که آموزش دیده و توانایی صید کردن ماهی را دارد، همیشه قادر بر داشتن آن خواهد بود و هیچ گاه نیازمند نخواهد شد؛ زیرا با داشتن تخصص، به محض نیاز، اقدام به صید و کسب خواهد نمود. به همین دلیل است که امروزه دانش و تخصص در همه‌ی زمینه‌ها از جمله اقتصاد، از جایگاه خاصی برخوردار بوده و در کشورهای مختلف هزینه‌های هنگفتی را به خود اختصاص داده است. امروزه مسأله‌ی دانش و تخصص در اقتصاد آن قدر اهمیت دارد که برخی اقتصاد دانان گرایش جدیدی را

در این رشته مطرح نموده‌اند تحت عنوان «اقتصاد دانش محور»؛ زیرا معتقدند دلیل شکوفایی و پیشرفت (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و...) جوامع توسعه‌یافته، ترقی دانش و توسعه‌ی نیروی انسانی در آن کشورها است. در اقتصاد دانش محور، سرمایه انسانی نقش تعیین‌کننده‌ی دارد و ظرفیت یادگیری افراد جامعه بسیار با اهمیت است (جین اریک و جین لويس، ۱۳۸۶، ص ۱۸). بدیهی است رشد اقتصادی در صورتی در یک جامعه ایجاد می‌شود که آن جامعه تعداد زیادی از دانشمندان، مهندسان و دیگر متخصصان آموزش دیده‌ی فنی را در اختیار داشته باشد.

اقتصاد دانان معتقدند، پیشرفت و رشد اقتصادی هنگامی به وقوع می‌پیوندد که:

- سرمایه‌ی فیزیکی، نظیر ماشین آلات و تجهیزات مورد استفاده در اقتصاد افزایش یابد.

- منابع طبیعی اضافی کشف شود.

- متوسط سطح مهارت یا کارایی نیروی کار افزایش پیدا کند.

- تکنولوژی یا دانش اجتماعی گسترش یابد. بعضی ادعا کرده‌اند که رشد اقتصادی در

کشورهای صنعتی، تنها معلول دانش (یا تکنولوژی) است؛ زیرا عوامل دیگر با محدودیت‌های مواجهه‌کننده برای این عامل مطرح نیست (سبحانی، ۱۳۸۶، ص ۹۰). علاوه بر این می‌توان یادآور شد که تکنولوژی و دانش در بکارگیری عوامل دیگر نیز بسیار تأثیر گذار است.

راهکارهای قرآنی کاهش فقر

بعد از بیان مباحث مقدماتی فقر، اینک به اصل موضوع باید پرداخت. با توجه به تعدد راهکارهای ارایه شده از سوی قرآن برای کاهش فقر، و از آنجاکه پرداختن به همه‌ی آن موارد در این نوشتار قابل طرح نیست، از میان راهکارهای ارایه شده تنها راهکار کار و تلاش را در این مقاله بحث می‌کنیم.

کسب و کار، عامل رفع فقر

از منظر آموزه‌های دینی اسلام (بر خلاف مکاتب سرمایه داری و مارکسیست) دلیل «فقر» کمبود منابع اولیه در طبیعت، نیست؛ زیرا منابع مورد نیاز انسانها در طبیعت وجود

دارد «و آتاکم من کل ما سألتموه و ان تعدوا نعمت الله لا تحصوها...» (ابراهیم: ۳۴) صرفنظر از بی عدالتی‌ها و توزیع نابرابر ثروت، وجود افراد معلول و ناتوان در جامعه و... که موجب فقر می‌گردد و صرفنظر از بررسی عوامل فقر (که در این مجال مناسب و نیاز به بحثی مفصل و مستقلی دارد) آنچه در اینجا مدنظر است این پرسش است که: حال که همه‌ی منابع مورد نیاز در زمین وجود دارد، بهترین شیوه بهره‌برداری از آن چیست؟ در پاسخ باید گفت: یکی از مهمترین و مؤثرترین راه‌های درآمد و رفع نیاز و مقابله با فقر (برای کسانی که توانایی جسمی و فکری دارند) کسب و کار است. توجه و اهتمام به کار و تلاش که از آموزه‌های دینی (آیات و روایات متعدد) قابل استفاده است، مورد تأیید و تأکید علم اقتصاد و اقتصاددانان نیز می‌باشد و امروزه برای اثرگذاری هرچه بیشتر کار و تلاش و بهره‌وری بهتر، کشورهای توسعه‌یافته توجه خاصی به تخصص‌گرایی و آموزش نیروی کار ماهر و توانمند دارند.

همانگونه که قبلاً اشاره شد، با توجه به گستردگی آیات و تعدد راهکارهای ارایه شده از سوی قرآن کریم در باب رفع فقر مانند: کار، پرداختن واجبات مالی، ایمان و تقوا، ازدواج، توسعه نیروی انسانی (تخصص‌گرایی= فاسئلوا اهل الذکر) و... (که بررسی تمام آنها نیازمند مجال بیشتری است) از میان راهکارهای متعدد فقر زدایی در قرآن کریم، در این نوشتار تنها به راهکار «کار و تلاش» پرداخته و می‌شود و بررسی راهکارهای دیگر به فرصت دیگری موکول می‌گردد. برخی از آیاتی که به کار و تلاش توصیه می‌کند و یا بیان‌کننده آن است که خداوند متعال موانع تصرف در کوه‌ها و دریاها را از میان برداشته و مقدمات بهره‌برداری از نعمت‌ها (زمین، دریا و...) را فراهم ساخته است، بدین قرار است: «فإذا قُضيت الصلاة فانتشروا فی الارض و ابتغوا من فضل الله...» (جمعه: ۱۰) مراد از (انتشار در ارض) متفرق شدن مردم در زمین و مشغول شدن در کارهای روزانه برای به دست آوردن فضل خدا - یعنی رزق و روزی - است. اگر در میان همه کارهای روزانه فقط طلب رزق را نام برد، برای این بود که مقابل ترک بیع در آیهی قبلی واقع شود (طباطبایی، ج ۱۹، صص ۴۶۱ و ۴۶۲).

از امام صادق^(ع) روایت شده است که فرمود: من سوار می‌شدم در حاجت چنان که

خداوند آن را کفایت فرموده است، سوار نمیشوم برای حاجتم مگر التماس اینکه مرا خدا ببیند که روز می‌کنم در طلب حلال، آیا نمیشنوی قول خدای عزیز را، «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ...» آیا دیده‌ای که اگر مردی داخل خانه شود و درش را بروی خود ببندد آن گاه بگوید روزی من بر من فرود می‌آید آیا این می‌شود؟ او از کسانی است که دعایشان مستجاب نمی‌شود (طبرسی، ج ۱۰، ص ۴۳۵). به هر حال آنچه از این آیه به روشنی قابل استفاده است این مطلب است که، تلاش مومنان برای تأمین معیشت و کسب درآمد و روزی مورد تشویق و توصیه خداوند متعال است.

هو الذی جعل لکم الارض ذلولا فامشوا فی مناکیها و کلوا من رزقه... (ملک: ۱۵) بر اساس این آیه انسان مأمور به مشی در اطراف زمین و استفاده از روزی آن است. و معنای آیه این است که خدای تعالی آن کسی است که زمین را منقاد و رام شما کرد، تا بتوانید بر پشت آن قرار بگیرید، و از این قطعه به آن قطعه اش بروید، و از رزقش که او برایتان مقدر فرموده بخورید، و به انواع مختلفی برای به دست آوردن آن رزق در زمین تصرف کنید. خداوند همه اطراف و اکناف زمین را در اختیار بشر قرار داده و تصرف در همه آن را برای او مباح نموده است. زمین، بستر و منبعی مناسب برای تغذیه و تأمین نیازهای انسان است. آفرینش زمین و بستر مناسب قرار دادن آن، برای تلاش و تأمین روزی انسان جلوه‌گر علم و آگاهی همه جانبه خداوند است. وجود روزی و نیازمندی‌های بشر در زمین، نشانه‌ی لطف و ربوبیت الهی است (رفسنجانی، ج ۱۹، ص ۱۸۵).

و جعل فیها رواسی من فوقها و بارک فیها و قدر فیها اقواتها... (فصلت: ۱۰) او در زمین کوه‌های استواری قرارداد و برکاتی در آن آفرید و مواد غذایی در آن مقدر فرمود، - اینها همه در چهار روز بود - درست به اندازه نیاز تقاضا کنندگان! بر اساس این آیه، خداوند زمین را با برکت و سرشار از نعمات قرار داد و قوت‌ها (و مواد غذایی) را در آن مقرر ساخت به گونه‌ی که همه‌ی موجودات در آن سهم داشته و همه را کفایت می‌کند. اما برای رسیدن به روزی، باید تلاش کرد. (کلمه «لِلسَّائِلِينَ» نشانه‌ی درخواست است و درخواست واقعی همراه تلاش و تکاپو است (قرآنی، ج ۱۰، ص ۳۲۰).

و لقد مکنناکم فی الارض و جعلنا لکم فیها معایش... (اعراف: ۱۰) ما تسلط و مالکیت

و حکومت بر زمین را برای شما قرار دادیم و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم... بر اساس این آیه، خداوند متعال نیازمندی‌ها و وسایل معاش انسان را در زمین قرار داده و او را نیز در بهره‌مندی از آن توانا ساخته است و این نعمتی است بزرگ و بایسته‌ی سپاسگزاری.

آفرینش زمین و شرایط آن (از نظر گردش، حرارت، نور، جذب و دفع آبها و گیاهان، قبول فضولات و تحویل سبزی‌ها و میوه‌ها و...) به‌گونه‌ای است که انسان می‌تواند در آن نیازمندی‌های خود را برطرف کند (قرآنی، ج ۴، ص ۲۴).

وآخرون یضربون فی الارض یبتغون من فضل الله وآخرون یقاتلون فی سبیل الله... (مزمّل: ۲۰) این آیه نیز مومنین را به‌تلاش برای تأمین زندگی توصیه می‌کند که با توجه به قرار گرفتن کار و تلاش برای تأمین زندگی و کسب روزی، در کنار جهاد در راه خدا مطرح شده است، اهمیت آن (کار و تلاش) به‌خوبی روشن می‌شود. مراد از ضرب فی الارض، مسافرت، و مراد از (ابتغاء من فضل الله) طلب روزی از راه مسافرت به‌نواحی زمین برای تجارت است.

در الدر المنثور (سیوطی) است که ابن مردویه از عبد الله بن مسعود روایت کرده که گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هیچ کاسبی نیست که طعامی را از جایی به‌سوی شهری از شهرهای مسلمین وارد کند، و آن کالا را به‌نرخ روز در آن شهر بفروش برساند، مگر آنکه نزد خدا منزلت شهید را دارد، آنگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) این آیه را تلاوت کردند: (و آخرون یضربون فی الارض یبتغون من فضل الله و آخرون یقاتلون فی سبیل الله) (سیوطی، ج ۸، ص ۳۲۳).

الله الذی سخر لکم البحر لتجرى الفلک فیہ بأمره و لتبتغوا من فضلہ... و سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض جمیعاً منه... (جاثیه: ۱۲ و ۱۳) معنای جمله (و لتبتغوا من فضلہ) این است که خدای تعالی دریاها را این چنین رام کرد، تا شما عطیه او را طلب کنید، یعنی با سفرهای دریایی، رزق خود را به‌دست آورید. (و سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض جمیعاً) معنای تسخیر آنچه در آسمانها و زمین است برای انسان، این است

که اجزاء عالم مشهود همه بر طبق یک نظام جریان دارد، و نظامی واحد بر همه آنها حاکم است و بعضی را به بعضی دیگر مرتبط، و همه را با انسان مربوط و متصل می سازد، و در نتیجه انسان در زندگی خود از موجودات علوی و سفلی منتفع می شود، و روز به روز دامنه انتفاع و بهره گیری جوامع بشری از موجودات زمینی و آسمانی گسترش می یابد، و آنها را از جهات گوناگون واسطه رسیدن به اغراض خود یعنی مزایای حیاتی خود قرار می دهد، پس به همین جهت تمامی این موجودات مسخر انسانند (طباطبایی و همدانی، ج ۱۸، ص ۲۴۵ و ۲۴۶). مفهوم این آیه آن است که خداوند وسایط زندگی را در پهنه هستی قرار داده است؛ اما دستیابی انسانها به نعمت های الهی، منوط به کار و تلاش خودشان است. برخی از مفسرین گفته اند: با توجه به آنکه «لام» در «لتبتغوا» برای هدف و غایت است، و چون انسانها برای دستیابی به نعمت ها از فعل خداوند (سخر) شمرده شده است، مطلوبیت «ابتغاء» و کسب کار را نشان می دهد (رفسنجانی، ج ۱۷، ص ۱۷۹). بر اساس این آیه ی مبارکه، هرچند فضل و رحمت از جانب خداوند است، ولی انسان نیز باید برای بدست آوردن روزی در تکاپو و تلاش باشد و تلاش برای معیشت زندگی و رفاه ارزشمند است.

... هوالذی أنشأکم من الارض و استعمرکم فیها فاستغفروه... (هود: ۶۱) نکته قابل توجه اینکه قرآن نمی گوید خداوند زمین را آباد کرد و در اختیار شما گذاشت، بلکه می گوید عمران و آبادی زمین را از شما طلب کرد، اشاره به اینکه وسائل از هر نظر آماده است، اما شما باید با کار و کوشش زمین را آباد سازید و منابع آن را بدست آورید و بدون کار و کوشش سهمی ندارید (مکارم شیرازی، ج ۹، ص ۱۵۱). خداوند توان و استعداد آباد کردن زمین را به شما عطا کرده است، یعنی خداوند شما را طوری قرار داده که زمین را آباد سازید (و نیازی به آن در شما ایجاد کرده است) که همیشه به سمت آباد کردن زمین در حرکت باشید (رفسنجانی، ج ۸، ص ۱۲۹). این آیه نیز با موضوع بحث مرتبط است.

و أن لیس للانسان إلا ماسعی (نجم: ۳۹) گرچه این آیه به قرینه ی آیات قبل و بعد، ناظر به تلاش های انسان برای امور آخرت است، ولی با اینحال چون بر اساس یک حکم

مسلم عقلی است می‌توان نتیجه آن را تعمیم داد و تلاشهای دنیا را نیز مشمول آن دانست، به عبارت دیگر ملاک و معیار اصلی آن، دنیا را نیز در بر می‌گیرد به این معنی که افراد با ایمان نباید منتظر دیگران باشند تا برای آنها کاری کنند، و مشکلات جامعه آنها را حل نمایند. بلکه خود دامن همت به‌کمر زده به‌سعی و تلاش و کوشش برخیزند (مکارم شیرازی، ج ۲۲، ص ۵۵۰). نکته دیگر اینکه از این آیه به‌روشنی فهمیده می‌شود که بهره‌مندی انسان در گرو سعی و تلاش او بوده و اینکه «لام» در «للائسان» برای ملکیت است، پس انسان، مالک دست آورد تلاش و عمل خویش است.

نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث مطرح شده در این نوشتار می‌توان نتیجه گرفت:

- الف) معنای لغوی فقر همان نیاز و حاجت است. اما از لحاظ اصطلاحی فقر مفهوم سیال و متغیر دارد و متأثر از شرایط (زمانی، مکانی)، شأن و موقعیت افراد است.
- ب) گرچه نیازهای انسان متنوع است (مادی، معنوی و عاطفی) اما در این میان نیازهای زیستی (مادی-اقتصادی) بدلیل اینکه محل قوام است، از جایگاه ویژه‌ی برخوردار است.
- ج) آموزش و پرورش افراد یا به‌تعبیر دیگر توسعه انسانی و تخصص‌گرایی، مسئله‌ی تأثیر گذار و اساسی در تولید بیشتر، بهره‌وری بهتر و کاهش فقر است.
- د) قرآن کریم راهکارهای متعددی را برای کاهش فقر ارائه کرده است که یکی از مهمترین و کارآمدترین آن، راهکار کار و تلاش است.
- ه) آیات متعدد قرآن (مستقیم یا غیر مستقیم) مومنان را به کار و تلاش توصیه و تشویق می‌کند و بیان می‌دارد که خداوند مقدمات آن را فراهم ساخته است. تسلط انسان‌ها بر دریاها (که منبع نعمت‌های الهی است)، کشتی‌ها، زمین، کوه‌ها و... از سوی خداوند و نیز پراکندن نعمات، وسایل معاش، مواد غذایی (اقوات) در اطراف و اکناف زمین و کوه‌ها، بوسیله‌ی خداوند، همه و همه گویای آن است که خداوند متعال شرایط را مهیا و موانع را برطرف ساخته است و این انسان است که باید از هیچ تلاشی دریغ نرزد.

فهرست منابع

❖ قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، نشر أدب الحوزه.
۲. احمدی خواه، علی (۱۳۸۹)، فقر و غنا از دیدگاه روایات، قم، انتشارات مسجد جمکران.
۳. بانک جهانی (۱۳۸۱)، مبارزه با فقر (گزارش توسعه جهانی ۲۰۰۱-۲۰۰۰)، تهران، ترجمه و نشر: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و...
۴. بیهقی، احمدبن حسین (۱۴۱۴ق)، السنن الکبری، تحقیق: محمدعبدالقادر، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵. تمیمی آمدی، عبد الواحد، غررالحکم و درر الکلم (نرم افزار جامع الاحادیث، مرکز کامپیوتری نور).
۶. جین اریک ایورت و جین لوئیس ریفرز (۱۳۸۶)، اقتصاد دانش محور درخاورمیانه و شمال آفریقا، مترجم: حمید سهرابی، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
۷. حسینی، سیدرضا، الگوهای پیشرفت کوثری و تکاثری از دیدگاه قرآن و حدیث.
۸. دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان (۱۳۸۰)، پدیده شناسی فقر و توسعه، قم، بوستان کتاب.
۹. راغب اصفهانی (۱۳۸۴)، مفردات الفاظ القرآن، ذوی القربی.
۱۰. سبحانی، حسن (۱۳۸۶)، اقتصاد کار و نیروی انسانی، تهران، سمت.
۱۱. سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۰ق)، الدرالمشور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دار الفکر.
۱۲. شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۶)، نظریه نیازهای معنوی از دیدگاه اسلام و تناظر آن با سلسله مراتب انگیزه‌های مازلو، دوفصلنامه علمی-تخصصی مطالعات اسلام و روانشناسی، ش ۱.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مجموعه نرم افزار کامپیوتری نور (جامع التفاسیر).
۱۴. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ترجمه: موسوی همدانی، مجموعه نرم افزار کامپیوتری نور (جامع التفاسیر).
۱۵. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مجموعه نرم افزار کامپیوتری نور (جامع التفاسیر).
۱۶. فراهانی فرد، سعید، نگاهی به فقر و فقر زدایی از دیدگاه مکتب اسلام.
۱۷. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مجموعه نرم افزار کامپیوتری نور (جامع التفاسیر).

۱۸. القرضاوی، یوسف (۱۴۱۲)، مشکله الفقر وكيف عالجهما الاسلام، بيروت، مؤسسه الرساله، الطبعة التاسعه.
۱۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مجموعه نرم افزار کامپیوتری نور.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، مجموعه نرم افزار کامپیوتری نور (جامع التفسیر).
۲۱. موسوی خمینی، روح الله (۱۴۰۸ق)، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۲۲. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، مجموعه نرم افزار کامپیوتری نور (جامع فقه اهل البیت ۲).
۲۳. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، مجموعه نرم افزار کامپیوتری نور (جامع التفسیر).